

مراحل شاخص مشاوره مسیحی
مرحله دوم: گشایش
فصل یازدهم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله دوم

فصل یازدهم

شکل دوباره به زندگی

معمولاً نقطه عطفی که در مشاوره بدست می آید، گشایشی واقعی است که منجر به شکست روابط قبل همراه با الگوهای افکار و رفتار های قبل می گردد. عیسی مسیح چیزی کمتر از تغییرات کلی و بنیادی را نمی پذیرد که شامل قسمت عمده گذشته ایمانداران است.

افسیان ۴

۱۷: پس این را می گویم و در خداوند تأکید می کنم که رفتار شما دیگر نباید همانند اقوام دور از خدا باشد که در بطالت ذهن خود رفتار می کنند.

ایمانداران به عیسی مسیح انسان های تازه هستند و زندگیشان با کمک خدا نیز تازه خواهد شد. زمانی که خدا ارمیا را صدا کرد به او چنین گفت:

ارمیا ۱

۱۰: بدان که تو را امروز بر امت ها و ممالک مبعوث کردم تا از ریشه بر کنی و منهدم سازی و هلاک کنی و خراب نمایی و بنا نمایی و غرس کنی.»

امیدوارم توجه کرده باشید که در آیه قبل، خدا نه تنها می گوید ”از ریشه بر کنی و منهدم سازی و هلاک کنی و خراب نمایی“، بلکه همچنین گفته ”بنا نمایی و غرس کنی“. آنچه از میان برده شده باید با چاره کتاب مقدس جابگزین گردد. همین کار نیز باید در مشاوره مسیحی انجام بگیرد. اگر نگردد، متقاضی یقیناً به راه های گذشته خود باز خواهد گشت، چون طبیعت انسان تحمل خلاء را ندارد. در نتیجه، چیزی باید جای آن را پر کند، که در اینصورت راه و افکار گذشته خواهد بود. انسان هیچگاه ناخود آگاه به جانب نیکی تمایل نمی گیرد. حال که متقاضی شما در جانب سمت تازه نقطه عطف قرار گرفته، باید روابط تازه ای را ایجاد کند، و زندگیش را شامل افکار و روحیه تازه ای کند که تصمیم و سر سپردگی های تازه ای را ثمر می آورد.

زندگی تازه ای که در اثر مشاوره شما بدست متقاضی می رسد تا حد زیادی بستگی به کمکی است که شما به او می کنید تا خرابه های زندگی گذشته اش را دوباره بر اساس کلام خدا ”بنا“ سازد. اگر در این کار موفق نشود، گشایش بدست آمده بی فایده خواهد بود، و حتی ممکن است صدمه نیز به او وارد بسازد. او ممکن است نه تنها به راه و روش های قدیم خود باز گردد، بلکه روش های تازه ای را نیز ایجاد نماید. تمام وقت و کوشش های صرف شده باطل خواهد شد. کمتر چیزی باعث سر شکستگی شخصی می شود جز آنکه امیدش به اوج رسیده باشد، و در دنباله آن با سر افکندگی رو برو گردد.

از آنجائی که مثال خانه ای که پاک شده مربوط به پذیرفتن انجیل خداوند از جانب اسرائیل بود (متی ۱۲: ۴۳ تا ۴۵) و باعث بدبختی های بیشتری گردید، اصل مورد نظر، مربوط به همه؛ چه قوم، بی ایمان، یا ایماندار نیز می گردد:

۴۳: «هنگامی که روح پلید از کسی بیرون می آید، به مکانهای خشک و بایر می رود تا جایی برای استراحت بیابد، اما نمی یابد.
۴۴: پس می گوید "به خانه ای که از آن آمدم، باز می گردم." اما چون به آنجا می رسد و خانه را خالی و رفته و آراسته می یابد،
۴۵: می رود و هفت روح بدتر از خود را نیز می آورد و همگی داخل می شوند و در آنجا سکونت می گزینند. در نتیجه، سرانجام آن شخص بدتر از حالت نخست او می شود. عاقبت این نسل شرور نیز چنین خواهد بود.»

موضوع این است، عدم تعویض آنچه اشتباه است با آنچه صحیح می باشد باعث مسائل و مشکلات بیشتری خواهد شد.
بطوری که قبلاً اشاره کردم، راه های خدا مانند راه های ما نیست، و افکار او نیز مانند افکار ما نمی باشد. همچنین خدا گفته که راه و افکار او بالاتر از ما است. وقتی راه و افکار قدیم از طریق گشایش، شکسته و خورد می شوند، باید با آنچه از خدا است تعویض گردند. این به آن معنی است، که متقاضی محتاج شناخت راه و افکار تازه ای از خدا است، و باید طریق بدست آوردن آن را نیز به او آموخت. اگر نتواند در هفته و ماه های پس از گشایش چنین راه و افکاری را از خود نشان دهد، اشکال بزرگی در مشاوره پس از گشایش وجود دارد. حال صحبت از امکانات اشغال دوباره خانه خواهیم کرد تا ببینیم چگونه می توان آن را به جانب خداوند باز گرداند.
روابط قدیم را باید تغییر داد. من قبلاً راجع به روابط اشتباهی که باعث ضرر و زیان شخص می شوند صحبت کرده ام:

اول قرنیتان ۱۵

۳۳: فریب مخورید: «معاشر بد، اخلاق خوب را فاسد می سازد.»

معاشرت با همجنس گرایان باید فسخ گردد. و نمی توان در این خصوص مردد ماند. ارتباط باید کاملاً قطع گردد و هیچ شکی برای طرفین در این خصوص وجود نداشته باشد.
من می توانم حدس بزنم که متقاضی شما اعتراض خواهد کرد که، "من از گناهم با این شخص توبه کرده ام و بخشش عیسی مسیح را دریافت کرده ام، و حال می خواهم به او نیز کمک کنم". اما جواب شما باید این گونه باشد، "شما تازه بخشش را دریافت کرده اید و نتیجتاً ضعیف هستید. شما نباید هیچ نوع تماسی را با او داشته باشید".
توجه داشته باشید که خانه بدون سرنشین نخواهد ماند. سؤالی که پس از گشایش مطرح است این است که "چه کسی خانه را اشغال خواهد کرد؟" به متقاضی خود هشدار دهید، اگر خدا را وارد نکند، می تواند اطمینان داشته باشد که ساکنان نامشروع وارد شده خانه را تسخیر خواهند کرد. اما نه تنها باید مواظب باشند که ساکنان نامشروع منزل را تسخیر نکنند، بلکه با دقت ساکنان صحیح را وارد کنند. در این رابطه لازم است با اشخاصی که در مسیح رشد کرده و زندگی خود را بر اساس تغییرات خدا بنا کرده اند، رابطه ایجاد کرد.
در خصوص رابطه با بی ایمانان به متقاضی هشدار دهید، و از مزیای روابط با ایمانداران صحبت کنید. لازم است از نوع روابطی که دارد اطلاع بدسی آورید و او را به جانب ارتباط با ایمانداران (خصوصاً اعضای کلیسایش) سوق دهید. اگر برای متقاضی شما مشکل است روابط تازه را ایجاد کند، شاید لازم باشد شما در این خصوص به او کمک کنید:

۱. به او هنر دوست یابی را بیاموزید.
۲. او را به ایمنادارن دیگر معرفی نمائید (اعضای کلیسایش).
۳. به او کمک کنید موانع سر راه دوست پیدا کردن را بشناسد و از راه بر دارد.

در راه کمکی که به متقاضی خود می کنید تا زندگی خدا پسندانه را بوجود آورد، کمتر موردی مهمتر از روابط روحانی است. الگو های تازه زندگی باید جای الگو های قدیم را بگیرند. در این رابطه به الگو های افکار تازه توجه نمائید. بعنوان مثال، در خصوص موضوع نگرانی (که برای زندگی آرام و راحت مسیحی حیاتی است)، پولس اصول لازم را این گونه بیان کرده است:

فیلیپیان ۴

۸: در پایان، ای برادران، هر آنچه راست است، هر آنچه والاست، هر آنچه درست است، هر آنچه پاک است، هر آنچه دوست داشتنی و هر آنچه ستودنی است، بدان بیندیشید. اگر چیزی عالی است و شایان ستایش، در آن تأمل کنید.

باید به متقاضی خود بیاموزید چگونه افکارش را در دست خود بگیرد، و نگذارد نگرانی، خیال های ناپاک جنسی، یا مقاصد تلخ و گناه الود به افکارش راه یابند. باید بیاموزد چگونه آنها را رد نماید تا بتواند به آنچه در آیه ۸ آمده دست رسی پیدا کند (۱). بحث راجع به رفتار را سکینر Skinner آغاز نکرد. خدا مرتباً راجع به آن در کلامش صحبت کرده است. رفتار که از دل سرچشمه می گیرد باید دوباره سازمان یافته شود. تغییر در دل آغاز می شود اما باید تبدیل به عمل نیز بگردد. وقتی خدا می گوید افکار و رفتار ما مطابق با او نیست، منظور تغییری است که در ما باید ایجاد گردد. تغییری که در دل ایجاد می گردد بطور خود کار تبدیل به تغییر عمل نمی گردد:

عبرانیان ۴

۱۲: زیرا کلام خدا زنده و مؤثر است و بُرنده تر از هر شمشیر دو دم، و چنان نافذ که نفس و روح، و مفاصل و مغز استخوان را نیز جدا می کند، و سنجشگر افکار و نیت های دل است.

افرادی هستند که مخالفند ایمانداري مطابق با تغییری که روح القدس ایجاد کرده، کاری انجام دهند. اما کار روح القدس چنان است که نه تنها دل را تغییر می دهد بلکه رفتار را نیز با آن متمایل می کند. او در هر دو ابعاد کار می کند.

وقتی ایمناداری دست از رفتار های خلاف موازین خدا بر می دارد، آن عمل "از خود دور کردن و بخود افزودن" نهایتاً کار روح القدس می باشد. کلام خدا الهام شده از او است (که معمار زندگی ما یعنی روح القدس از آن استفاده می کند)، و او است که افکار ما را روشن می سازد تا آن را درک کرده جذب خود کنیم؛ او ما را تشویق به دعا می کند تا کنش هائی که در این راه می کنیم برکت یابند، و از طریق همان کلام خواست هایمان برآورده گردد. اما، نه او، بلکه ما هستیم که باید "به جا" آوریم.

متی ۲۸

۲۰: و به آنان تعلیم دهید که هر آنچه به شما فرمان داده‌ام، به جا آورند. اینک من هر روزه تا پایان این دنیا با شما هستم!»

مشاورانی هستند که درجه آموزش را بی اندازه بالا می برند. فکر می کنند اگر بخوبی آموزش دهند باعث خواهد شد که تبدیل به عمل گردد. این افکار صحیح نیستند. آموزش های بسیاری هست که مسیحیان بدست آورده اند ولی دلیل نمی باشد به همه عمل نیز می کنند. اتفاقاً بیشتر آنچه نباید بکنند را انجام می دهند. با وجود آنکه از بند گناه نجات یافته اند:

اول پطرس ۱

۱۸: زیرا می دانید از شیوه زندگی باطلی که از پدرانتان به ارث برده بودید، بازخرید شده اید، نه به چیزهای فانی چون سیم و زر،

و حال آزاد شده اند هر آنچه نیکو است را انجام دهند:

فیلیپیان ۳

۱۶: مهم این است که به هر مرحله ای که رسیده ایم، مطابق آن رفتار کنیم.

منتهی اکثراً مطابق با شناختی که از او داریم (”به هر مرحله ای که رسیده ایم“) عمل نمی کنیم. اهمیتی که این موضوع دارد برای کسانی است که پس از بدست آوردن گشایش، نیاز به آموزش و تشویق به انجام خواست های خدا دارند. باید راه های خدا مطابق با افکار تازه متقاضی وارد او نیز بگردند.

فهرست زیر نویس های فصل یازدهم

(۱) راجع به موضوع نگرانی و آنچه در این رابطه در فصل ششم متی آمده، به کتاب ”راهنمای مشاوران مسیحی“ رجوع نمائید.